



روضة شب پنجم محرم

نام‌گذاری شب‌های محرم به طور **تعیینی** و با گذشت زمان صورت گرفته است. این کار از ناحیه ذاکران **اهل بیت (علیهم‌السلام)** به تقلید از شب‌های خاصی مانند: **عاشورا** و **تاسوعا** انجام گرفته است. شب پنجم به **زهیر بن قین** و **حضرت عبدالله بن حسن**، کودک هشت ساله **امام مجتبی (علیه‌السلام)** منسوب است. البته **روضة حبيب بن مظاهر** نیز به این شب منسوب است.

فهرست مندرجات

- ۱ - روضه عبدالله بن حسن
- ۲ - روضه زهیر بن قین
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

روضه عبدالله بن حسن

عبدالله بن الحسن (علیه‌السلام) در شمار آخرین شهیدانی بود که پیش از شهادت **امام حسین (علیه‌السلام)** در ظهر **عاشورا** به شهادت رسید. **عبدالله بن حسن بن علی (علیه‌السلام)**، نوجوان ۱۱ ساله، فرزند امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) که روز **عاشورا**، وقتی دید سیدالشهداء بر زمین افتاده است، برای دفاع از **عمو** به سوی میدان شتافت و در دفاع از **عمو** مظلومش جام شهادت نوشید.

در مقاتل چنین نقل شده است که در واپسین لحظات حیات شریف سیدالشهداء (علیه‌السلام)، سپاه **کوفه** امام (علیه‌السلام) را محاصره کرد، در حالی که امام (علیه‌السلام) دیگر توان ایستادن نداشت و از جنگ باز ایستاده بود. در این هنگام ندای امام حسین (علیه‌السلام) به آسمان برخاست و سر به جانب آسمان بلند کرد و نیاپشگرانه گفت: خدایا، تو خود میدانی که اینان فرزند دخت فرزانه پیامبرشان را می‌کشند... آن تبهکاران سنگ‌دل اندکی درنگ کردند و دگر باره بر امام (علیه‌السلام) هجوم بردند. در این هنگام عبدالله بن حسن (علیه‌السلام) که هنوز به **حد بلوغ** نرسیده بود خیمه‌گاه را ترک کرده، شتابان به سوی امام (علیه‌السلام) دوید، حضرت امام حسین (علیه‌السلام) با دیدن او خطاب به خواهرش **زینب (سلام‌الله‌علیها)** فرمود: «خواهرم این کودک را نگهدار.» زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) خود را به کودک رساند و سعی کرد از رفتنش جلوگیری کند و او را به خیمه‌ها بازگرداند، اما او پایداری کرد و بازنگشت و فریاد بر آورد که: «لا افارق عمّی!» به خدای سوگند از **عمویم جدا نخواهم شد** و او را تنها نخواهم گذاشت! و خود را از **دستان عمه‌اش رها کرد** و نزد امام حسین (علیه‌السلام) رفت تا شاید مانع از شهادت **عمو** بزرگوارش گردد. در این هنگام یکی از تجاوزکاران اموی به نام «**بحر بن کعب**» به سوی حسین (علیه‌السلام) روی آورد که «عبدالله» فریاد بر آورد: **هان ای پلیدزاده! آیا می‌خواهی عمویم را به شهادت برسانی؟** آن عنصر پلید نیز شمشیری بر آن کودک فرود آورد و عبدالله دست خود را سیر ساخت که دستش از بدن جدا شد! او در حالی که دستش تنها به پوست اویران بود، فریاد بر آورد که: **عمو جان مرا دریاب!** حسین (علیه‌السلام) او را در **آغوش کشید** و بر سینه چسباند و فرمود: **یادگار برادرم!** بر آنچه در راه خدا بر تو فرود آمده است شکیبایی پیشه ساز و آن را به فال نیک بگیر و خیر بدان که خدای پر مهر به زودی تو را بر پدران و نیاکان شایسته کردارت ملحق خواهد ساخت.

و آن‌گاه «**حرمله**» **کلوی** آن کودک محبوب را هدف تیر بیداد خود ساخت و سرش را از پیکرش جدا کرد! حسین (علیه‌السلام) پس از شهادت **جانسوز نور چشم** برادرش، «عبدالله» در **آغوشش**، رو به آسمان کرد و گفت: **بار خدایا**، اگر این **بندگان ستمکار** و **گناه‌پیشه‌ها** را تاکنون از نعمت‌هایت بهره‌ور ساخته‌ای، اینک آنان را **تار و مار** و **مایه عبرت** دیگران قرار ده و هرگز از آنان خشنود مباش.

[۱] شیخ مفید، **مجد بن مجد**، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱۰.

[۲] سید ابن طاووس، **علی بن موسی**، اللهوف فی قتلی الطوفوف، ص ۷۲.

[۳] طبرسی، **فضل بن حسن**، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۸.

روضه زهیر بن قین

زهیر، الگوی دلدادگی و عاشقی نسبت به امام زمانش در کربلاست. **زهیر بن قین**، از بزرگان **قبیله بجیله** بود که در **کوفه** می‌زیست.

[۴] **مامقانی**، **عبدالله**، تنقیح المقال، ج ۲۸، ص ۳۱۹.

زهیر نخست طرفدار «عثمان» بود، تا این‌که در سال شصتم هجری، هنگام بازگشت از سفر **مکه**، در یکی از منازل بین راه،

[۵] **ابوحنیفه دینوری**، **احمد بن داوود**، الاخبار الطوال، ص ۳۴۶.

هم‌زمان با **کاروان امام حسین (علیه‌السلام)** در یک‌جا فرود آمد. امام (علیه‌السلام) شخصی را نزد **زهیر فرستاد** و خواستار ملاقات با او شد. **زهیر نخست** از این دیدار **اکراه** داشت. اما به توصیه **همسرش**، **دیلم** یا **دلهم دختر عمرو**

[۶] **طبری**، **مجد بن جریر**، تاریخ الطبری ج ۴، ص ۲۹۸.

[۷] **بلاذری**، **احمد بن یحیی**، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷.

به **محرر امام حسین (علیه‌السلام)** شرفیاب شد. این دیدار بسیار مبارک بود و مسیر زندگانی **زهیر** را تغییر داد. او پس از این ملاقات، **شادمان** نزد خانواده و دوستانش بازگشت و فرمان داد تا **خیمه** و **بار** و **بُنه** او را به کنار **خیمه امام (علیه‌السلام)** منتقل کنند.

[۸] **بلاذری**، **احمد بن یحیی**، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.

[۹] **طبری**، **مجد بن جریر**، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۸.

[۱۰] **مامقانی**، **عبدالله**، تنقیح المقال، ج ۲۸، ص ۳۲۰.

با **همسرش** نیز وداع کرد و گفت: «من عازم **شهادت** همراه امام حسین (علیه‌السلام) هستم. تو با **برادر** خود نزد خانواده‌ها برگرد، زیرا نمی‌خواهم از سوی من چیزی جز خوبی به تو برسد.»

شب عاشورا، وقتی امام حسین (علیه‌السلام) به همراهانش اجازه بازگشت به شهر و دیارشان را داد، هر کدام از آنان به نوعی وفاداری و پایداری خود را اعلام داشتند و **زهیر بن قین** گفت: **به خدا سوگند دوست دارم کشته شوم**، سپس **زنده شوم** و دوباره **کشته شوم**، تا هزار مرتبه این‌گونه کشته شوم و خداوند بدین وسیله **جان شما** و این **جوانان خاندان شما** را سلامت دارد.

[۱۱] **طبری**، **مجد بن جریر**، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸.

[۱۲] شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۲.

[۱۳] ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۵۳.

امام حسین (علیه السلام)، پس از اقامه نماز صبح عاشورا، یاران خویش را سازماندهی کرده و زهیر بن قین را به فرماندهی جناح راست سپاه برگزید که نشان لیاقت و شایستگی‌های اخلاقی و نظامی «زهیر» است.

[۱۴] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۰.

[۱۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۷.

[۱۶] شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۵.

[۱۷] ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود، الاخبار الطوال، ص ۲۵۶.

[۱۸] ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۹.

[۱۹] خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۷-۶.

روز عاشورا وقتی دو سپاه رو در روی هم قرار گرفتند، نخست امام حسین (علیه السلام) به نصیحت سپاهیان دشمن پرداخت، آن‌گاه زهیر آنان را نصیحت کرد تا اینکه کسی زهیر را صدا زد و گفت: ابا عبدالله (علیه السلام) می‌فرماید: برگرد. به جانم سوگند، چنان‌که مؤمن آل فرعون، مردمش را نصیحت کرد، تو نیز اینها را نصیحت کردی، اگر نصیحت فایده‌ای داشته باشد.

[۲۰] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۴-۳۲۳.

[۲۱] ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۶۳-۶۴.

[۲۲] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.

[۲۳] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۸-۱۸۹.

از صحنه‌های یادکردنی پیکار زهیر در روز عاشورا، یکی آن‌جاست که وقتی شمر و شماری دیگر از دشمنان به خیمه‌های امام حسین (علیه السلام) هجوم آورده قصد آتش زدن خیمه‌ها را داشتند، وی به کمک ده نفر دیگر از اصحاب امام (علیه السلام) به مقابله آن‌ها شتافت، پس از کشتن یکی از مهاجمان، آنان را از خیمه‌ها دور کردند.

[۲۴] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۴.

[۲۵] ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۶۹-۷۰.

[۲۶] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۴.

[۲۷] شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۵.

زهیر و خز، ساعتی از روز عاشورا، به کمک هم جنگ نمایانی کردند و هرگاه یکی از آن دو، بر دشمن می‌تاخت، اگر به محاصره می‌افتاد، دیگری او را نجات می‌داد. تا این که حر به شهادت رسید.

[۲۸] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۶.

[۲۹] ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۱.

[۳۰] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۵.

ظهر عاشورا، زهیر و سعید بن عبدالله حنفی جان خویش را سپر کردند، تا امام حسین (علیه السلام) همراه جمعی از یارانش، نماز خوف به جای آوردند.

[۳۱] خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۰.

[۳۲] ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۶۵.

زهیر پس از نبردهای دلیرانه و کم‌نظیر و کشتن تعدادی از دشمن، سرانجام به وسیله «کتیر بن عبدالله شعبی» و «مهاجر بن اوس» به شهادت رسید.

[۳۳] ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب (علیهم السلام)، ج ۲، ص ۲۲۵.

[۳۴] طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۶.

[۳۵] بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۶.

[۳۶] ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۷۱.

خوارزمی می‌نویسد: هنگامی که زهیر بر زمین افتاد، امام حسین (علیه السلام) به وی گفت: «خداوند تو را از رحمت خود دور نگرداند و قاتل تو را لعنت کند، به مانند کسانی که ملعون گشتند و به صورت بوزینه و خوک مسخ شدند.»

[۳۷] خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسین (علیه السلام)، ج ۲، ص ۲۳.

در زیارت ناحیه مقدسه، از وفاداری و ایثار زهیر این‌گونه تجلیل شده است: «السَّلَامُ عَلَی زُهَیْرِ بْنِ الْقَیْنِ الْبَجَلِیِّ، الْفَائِلِ لِلْحُسَیْنِ وَقَدْ اِذِنَ لَهُ فِی الْاِنْصِرَافِ: لَا وَاللَّهِ لَا یَكُونُ ذَلِکَ اَبَدًا، اِنَّکُمْ اَبْنُ رَسُوْلِ اللّٰهِ اَسِیْرًا فِی یَدِ الْاَعْدَاءِ وَاَنْجُوْا لَا اِرَاقَیَ اللّٰهُ ذَلِکَ الْیَوْمَ؛ سلام بر زهیر بن قین بَجَلِیِّ، کسی که وقتی امام حسین (علیه السلام) به او اجازه بازگشت داد، به حضرت عرض کرد: به خدا سوگند، نه، هرگز چنین نخواهد شد. آیا فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) را اسیر در دست دشمنان رها کرده، خود را نجات دهم؟ خدا آن روز را به من ننماید.»

[۳۸] ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۷۷-۷۸.

پانویس

- ↑ شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۱۰.
- ↑ سید ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف فی قتلی الطفوف، ص ۷۳.
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۶۷-۴۶۸.
- ↑ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، ج ۲۸، ص ۳۱۹.
- ↑ ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود، الاخبار الطوال، ص ۲۴۶.
- ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۹۸.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۶۷-۱۶۸.
- ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۲۹۸.
- ↑ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، ج ۲۸، ص ۳۲۰.
- ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۱۸.
- ↑ شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۲.
- ↑ ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۵۳.
- ↑ طبری، مجد بن جریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۰.
- ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۷.
- ↑ شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۹۵.
- ↑ ابوحنیفه دینوری، احمد بن داوود، الاخبار الطوال، ص ۲۵۶.
- ↑ ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۵۹.

۱۹. ↑ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين (عليه السلام)، ج ۲، ص ۶-۷.
۲۰. ↑ طبری، مجد بن حریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۳-۳۲۴.
۲۱. ↑ ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۶۳-۶۴.
۲۲. ↑ یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۵.
۲۳. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۸۸-۱۸۹.
۲۴. ↑ طبری، مجد بن حریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۳۴.
۲۵. ↑ ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۶۹-۷۰.
۲۶. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۴.
۲۷. ↑ شیخ مفید، مجد بن مجد، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۵.
۲۸. ↑ طبری، مجد بن حریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۶.
۲۹. ↑ ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۷۱.
۳۰. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۵.
۳۱. ↑ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۰.
۳۲. ↑ ابن طاووس، علی بن موسی، الملهوف علی قتلی الطفوف، ص ۱۶۵.
۳۳. ↑ ابن شهر آشوب، مجد بن علی، مناقب آل ابی‌طالب (عليهم السلام)، ج ۳، ص ۲۲۵.
۳۴. ↑ طبری، مجد بن حریر، تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۳۲۶.
۳۵. ↑ بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۹۶.
۳۶. ↑ ابن اثیر جزری، ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم، الكامل فی التاريخ، ج ۴، ص ۷۱.
۳۷. ↑ خوارزمی، موفق بن احمد، مقتل الحسين (عليه السلام)، ج ۲، ص ۲۲.
۳۸. ↑ ابن طاووس، علی بن موسی، الاقبال بالاعمال الحسنه، ج ۳، ص ۷۷-۷۸.

منبع

پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «شب‌های دهه محرم»، بازنویسی توسط گروه پژوهشی ویکی فقه.

رده‌های این صفحه : روزه های دهه اول محرم